

اصول علم فقہ

دربارہ ی

اصول حاکم بر احکام الدین اسلام

دکتر سعید رجحان

استادیار دانشگاه امام صادق علیه السلام

انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)

تهران: بزرگراه شهید چمران،

پل مدیریت

تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵

E-mail: isu.press@yahoo.com

فروشگاه اینترنتی:

www.ketabesadiq.ir



دانشگاه امام صادق (ع)

اصول علم فقه: درباره اصول حاکم بر احکام الهی اسلام ■ مؤلف: دکتر سعید رجحان
ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ نمایه‌سازی: رضا دیبا ■ چاپ اول: ۱۳۹۲ ■ قیمت: ۱۰۵۰۰۰ ریال
شمارگان: ۱۰۰ نسخه ■ چاپ و صحافی: زلال کوثر ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۲۹۶-۲

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: رجحان، سعید (۱۳۹۱) -
عنوان و نام پدیدآور: اصول علم فقه: درباره اصول حاکم بر احکام الهی
اسلام/سعید رجحان.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۳۸۰ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۲۹۶-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: فقه

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

رده بندی کنگره: BP۱۶۹/ر۳، الف۶۱۳۹۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۲

شماره کاتالوگ ملی: ۳۰۵۳۷۶۶

فهرست اجمالی

سخن ناشر.....	۱۵
پیشگفتار.....	۱۷
فصل ۱. شناسایی «فقه» به مثابه یک «کل».....	۲۳
فصل ۲. اصول عبادات.....	۱۲۷
فصل ۳. اصول تعهدات.....	۲۱۹
فصل ۴. اصول سیاسات.....	۳۰۳
منابع و مآخذ.....	۳۶۳
نمایه.....	۳۶۹

فهرست تفصیلی

۱۵	سخن ناشر
۱۷	پیشگفتار
۲۳	فصل ۱. شناسایی «فقه» به مثابه یک «کل»
۲۳	مبحث اول. سرآغاز؛ رسالت «اصول علم فقه»
۲۷	مبحث دوم. ماهیت مباحث اصول علم فقه و روش تحقیق آن
۲۹	مبحث سوم. علم فقه (علم حقوق اسلامی) و رسالت آن
۳۵	مبحث چهارم. ماهیت گزاره‌های فقهی و تفاوت آن با علم حقوق
۳۵	گفتار اول. ماهیت گزاره‌های علوم
۳۸	گفتار دوم. ارکان قضایای اعتباری حقوقی
۴۰	گفتار سوم. ویژگی‌های گزاره‌های قانونی اسلام
۴۲	مبحث پنجم. نظام‌های حقوقی و نظام حقوقی اسلام
۴۲	گفتار اول. نظام‌های حقوقی
۴۶	گفتار دوم. نظام حقوقی اسلام
۴۸	الف) ساختار نظام حقوقی اسلام
۵۲	ب) مفاهیم اساسی در نظام حقوقی اسلام
۶۴	گفتار سوم. مناصب در نظام حقوقی اسلام
۶۷	گفتار چهارم. ارکان حقوق در نظام حقوقی اسلام

- گفتار پنجم. قانون اسلام و تقسیمات احکام در فقه موجود..... ۷۰
- اول. احکام تکلیفی و وضعی..... ۷۱
- دوم. احکام کلی و جزئی..... ۷۲
- سوم. احکام اولیه و ثانویه..... ۷۴
- چهارم. احکام حکومتی..... ۷۴
- پنجم. بررسی احکام الهی براساس رویکرد حق و تکلیف..... ۷۶
- ششم. اقسام حق..... ۸۰
- گفتار ششم. اقسام احکام الهی در قرآن: مقبولیت و مردودیت..... ۸۵
- گفتار هفتم. منابع احکام در فقه..... ۸۶
- گفتار هشتم. استنباط و صدور حکم و اعلام آن توسط فقهاء..... ۸۷
- مبحث ششم. ابواب فقه..... ۸۹
- مبحث هفتم. اصول حاکم بر نظام حقوقی اسلام..... ۹۰
- گفتار اول. اصل حاکمیت - ادگی در مقابل بیچیدگی..... ۹۱
- گفتار دوم. اصل آلی (ابزاری) بودن همه امور برای نتیجه قرب الی الله..... ۹۳
- گفتار سوم. اصل لزوم رعایت حسن نیت و حسن ظن و حسن خلق..... ۹۴
- گفتار چهارم. اصل مطلوبیت احسن الاعمال..... ۹۶
- گفتار پنجم. اصل موضوعه لزوم رعایت عدل در مقابل ظلم به منظور تحقق شرط لازم برای نیل به قرب الی الله..... ۹۷
- گفتار ششم. اصل محوری لزوم رعایت تقوی به منظور تحقق شرط کافی برای نیل به قرب الی الله..... ۹۹
- مبحث هشتم. قواعد فقهیه..... ۱۰۳
- قاعده اول: قاعده لاضرر..... ۱۰۳
- قاعده دوم: قاعده لاحرج..... ۱۰۶
- پیوست‌های فصل اول..... ۱۱۰
- پیوست شماره ۱. تفاوت گزاره‌های قانونی و اخلاقی..... ۱۱۰
- پیوست شماره ۲. تبیین کارکرد قوانین در جامعه..... ۱۱۱

پیوست شماره ۳. تفاوت حقوق الهی و حقوق بشری	۱۱۳
پیوست شماره ۴. جایگاه نظام حقوقی در جامعه	۱۱۶
پیوست شماره ۵. تقسیمات حقوق در نظام‌های حقوقی کلاسیک	۱۲۰
پیوست شماره ۶. ارکان مباحث فقه بر مبنای حقوق اساسی	۱۲۳
پیوست شماره ۷. رویکردهای فقهی متناسب با قرآن	۱۲۵
فصل ۲. اصول عبادات	۱۲۷
مبحث اول. جایگاه عبادت و نتایج مترتب بر آن	۱۲۷
مبحث دوم. اصول حاکم بر عبادات	۱۳۰
گفتار اول. اصل طهارت	۱۳۰
الف) طهارت اندیشه از نجاست کفر به وسیله اسلام	۱۳۳
ب) طهارت ظاهر جسم از نجاست (نجاست) به وسیله شستن با آب	۱۳۴
ج) طهارت باطن جسم از حدث اصغر به وسیله وضو و تیمم (بدل از	
وضوء)	۱۳۵
د) طهارت باطن جسم از حدث اکبر به وسیله غسل و تیمم (بدل از غسل)	۱۳۶
ه) طهارت قلب از نجاست شرک به وسیله ایمان	۱۳۷
گفتار دوم. اصل حلیت	۱۴۰
گفتار سوم. اصل قصد قربت	۱۴۰
گفتار پنجم: اصل توقیفی بودن عبادات	۱۴۱
مبحث سوم. اقسام عبادات	۱۴۳
گفتار اول. صلاه	۱۴۴
الف) آثار اقامه نماز	۱۴۵
ب) اقسام نماز	۱۴۷
گفتار دوم. زکات	۱۵۴
گفتار سوم. خمس	۱۶۱
گفتار چهارم. روزه‌داری	۱۶۴
گفتار پنجم. حج ابراهیمی	۱۶۶

مبحث چهارم. چند قاعده فقهیه مهم در مبحث عبادات.....	۱۸۰
گفتار اول. قاعده طهارت.....	۱۸۰
گفتار دوم. قاعده عدم صحت عمل عبادی مرکب به واسطه نقصان یا زیادت	
اجزاء آن.....	۱۸۱
گفتار سوم. المیسور لا تسقط بالمعسور.....	۱۸۱
گفتار چهارم. قواعد صحت، تجاوز، فراغ و کثیرالشک.....	۱۸۲
پیوست‌های فصل دوم.....	۱۸۳
پیوست شماره ۱. اوقات نمازهای روزانه (نمازظهر و عصر، مغرب و عشاء).....	۱۸۳
پیوست شماره ۲. پیامبران اولوالعزم.....	۲۰۲
پیوست شماره ۳. نکتهایی از زندگی حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام.....	۲۰۵
پیوست شماره ۴. هاجر، بنیانگذار هجرت.....	۲۱۳
فصل ۳. اصول تعهدات.....	۲۱۹
مبحث اول. تعاریف.....	۲۱۹
مبحث دوم. اصول حاکم بر تعهدات.....	۲۲۲
گفتار اول. اصل مشروعیت.....	۲۲۲
گفتار دوم. اصل صحت.....	۲۳۹
گفتار سوم: اصل لزوم.....	۲۴۷
گفتار چهارم. اصل شخصی بودن تعهدات.....	۲۴۹
گفتار پنجم. اصل مسئولیت مدنی (ضمان) نسبت به خسارات ناشی از عدم	
اجرای تعهدات.....	۲۵۰
الف) مفهوم مسئولیت مدنی.....	۲۵۰
ب) قلمرو مسئولیت مدنی.....	۲۵۰
مبحث سوم. اسباب تعهدات.....	۲۵۳
مبحث چهارم. سقوط تعهدات.....	۲۵۳
مبحث پنجم. اقسام عقود و تعهدات به لحاظ مفاد.....	۲۵۵
گفتار اول. عقود سیاسی، اقتصادی.....	۲۵۵

گفتار دوم. عقود معین و غیر معین.....	۲۵۵
الف) اقسام عقود اقتصادی (معاملات).....	۲۵۶
گفتار سوم: نکاح و طلاق.....	۲۶۸
گفتار چهارم: اصول حاکم بر نکاح در نظام اجتماعی اسلام.....	۲۶۹
پیوست‌های فصل سوم.....	۲۸۰
پیوست ۱. مباحثی از قانون مدنی.....	۲۸۰
پیوست شماره ۲. اقسام عقود از منظر تعامل در اموال.....	۲۹۵
فصل ۴. اصول سیاست.....	۳۰۳
مبحث اول. معنای سیاست و نمایی از مباحث آن.....	۳۰۳
مبحث دوم. حقوق جزای عمومی اسلام.....	۳۰۵
گفتار اول. اهداف حقوق جزای کلاسیک و حقوق جزای اسلامی.....	۳۰۵
گفتار دوم. پدیده‌شناسی جرم.....	۳۰۷
گفتار سوم. تعریف جرم و ارکان آن.....	۳۰۸
الف) جرم چیست؟.....	۳۰۹
ب) ارکان جرم.....	۳۱۲
ج) تکرار و تعدد جرم.....	۳۱۷
گفتار چهارم. جرم و اصطلاحات مشابه آن در قرآن: اثم، ذنب.....	۳۱۸
الف) جرم در قرآن کریم.....	۳۱۸
ب) اثم.....	۳۱۹
ج) ذنب.....	۳۲۰
گفتار پنجم. جایگاه گناهان در نظام هستی.....	۳۲۱
گفتار ششم. اقسام جرم.....	۳۲۲
تقسیم اول. حقوق و اخلاق اسلامی: گناهان کبیره و صغیره.....	۳۲۲
تقسیم دوم. اطاعت مقبول و اطاعت مردود در ترک محرمات.....	۳۲۵
تقسیم سوم. تقسیم جرائم براساس موضوع آنها.....	۳۲۶
تقسیم چهارم. جرائم شخصی، حرفه‌ای - سازمان یافته.....	۳۲۸

- تقسیم پنجم. جرائم علیه مقاصد شریعت..... ۳۲۹
- گفتار هفتم. مجازات؛ فلسفه و اقسام آن..... ۳۲۹
- الف) تعریف مجازات..... ۳۲۹
- ب) فلسفه مجازات..... ۳۲۹
- ج) اقسام مجازات..... ۳۳۱
- مبحث سوم. اصول و قواعد حاکم بر نظام حقوق جزای اسلامی..... ۳۳۷
- گفتار اول. لزوم رعایت اصل عدالت در جرم‌انگاری و مجازات..... ۳۳۷
- گفتار دوم. اصل ایامه اولیه - اصل قانونی بودن جرم و مجازات..... ۳۳۷
- گفتار سوم. اصل برائت از مجرمیت و مجازات..... ۳۴۲
- گفتار چهارم. اصل مقبل بودن مسئولیت کیفری..... ۳۴۴
- گفتار پنجم. اصل «التعزیر لکل فعل محرم بما دون الحد و هو الاربعون جلدا»..... ۳۴۵
- مبحث چهارم. حقوق جزای اختصاصی اسلام..... ۳۴۶
- گفتار اول. روابط نامشروع دو جنس مخالف: زنا..... ۳۴۶
- گفتار دوم. روابط نامشروع دو جنس موافق: لواط..... ۳۴۷
- گفتار سوم. اتهام و نسبت ناروا در موضوع روابط جنسی: قذف..... ۳۴۸
- گفتار چهارم. شرب مسکرات..... ۳۵۰
- گفتار پنجم. تصرف نامشروع در اموال: غصب..... ۳۵۰
- گفتار ششم. سرقت؛ ربایش مال غیر..... ۳۵۱
- گفتار هفتم. رباخواری..... ۳۵۱
- گفتار هشتم. کم فروشی..... ۳۵۲
- گفتار نهم. دروغ‌گویی..... ۳۵۳
- الف) قرآن..... ۳۵۳
- ب) روایات..... ۳۵۵
- ج) فعل امیرالمؤمنین..... ۳۵۶
- د) حکم عقل به قبح ظلم حاصل از کذب که بنا به فرض با عدالت منافات دارد..... ۳۵۶

گفتار دهم. غیبت.....	۳۵۷
گفتار یازدهم. تفتیش عقائد: تجسس.....	۳۵۷
گفتار دوازدهم. جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص: قتل، قطع، جرح و ضرب.....	۳۵۷
گفتار سیزدهم. فساد و محاربه.....	۳۵۹
گفتار چهاردهم. بغی و شورش علیه حاکم عادل اسلامی.....	۳۶۰
گفتار پانزدهم. ارتداد.....	۳۶۰
منابع و مأخذ.....	۳۶۳
نمایه.....	۳۶۹

www.ketab.ir

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَكُنْزًا لِّنَا دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ عَلِمَاءَ وَ قَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل. آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق (ع) که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می توان مقوله ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متاثر و دگرگون می سازد.

از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. ازاین منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان های فکری و اجرایی به حساب می آیند و نمی توان آینده درخشانی را بدون توانایی های علمی -

پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در منطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى. سلام قولاً من رب رحيم. سلام على نوح في العالمين. سلام على ابراهيم. سلام على موسى وهارون. سلام على ال ياسين وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين. والسلام على سيدنا ونبينا «محمد» وآله الطاهرين وعلى اخيه ووصيه، مولانا امير المؤمنين صلوات الله وسلامه عليهما وآلهما الطاهرين. اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله. اللهم بلغ مولانا الامام الهادي المهدي القائم بامرک، صلوات الله عليه وآله الطاهرين عن جميع المومنين والمومنات، من الصلوات، زنة عرش الله.

پیش گفتار

طی سال های تحقیق و تدریس در علم اصول استنباط فقه و علم فقه، همواره ذهنم با دو سؤال اساسی روبرو بود:

۱- آیا شیوه مرسوم و مالوف استنباط احکام، کافی و بدون نقص

است؟

۲- آیا فقه موجود، همان فقهی است که باید باشد؟

۳- آیا فقه موجود، فقه قرآنی است؟

زمینه سؤال دوم و سوم از سؤال اول نشأت می گرفت زیرا در موارد متعدد در احکام فقهی با مسائلی مواجه بودم که راه حلش را در علم اصول استنباط موجود نمی یافتم. به عنوان نمونه علی رغم این که علم اصول استنباط، منطق فقه معرفی می شد و کارکرد منطق، بازداشت فکر از استنتاج غلط بود، پس چرا نمی توانستیم در فقه به شاخص های رأی صحیح از غیر صحیح دست یابیم؟ به نظر می رسید مسئله این نبود که در اصول استنباط، قیاس را حجت بدانیم یا ندانیم. مسئله این بود که وقتی در استنباط حکم بر خلاف مشی اصولی خود رفتار می کردیم، شاخصی برای تنبه ما وجود نداشت تا به اشتباه

خود واقف شویم؛ چه رسد زمانی که مبنای اصولی نادرستی اتخاذ کرده باشیم.

اما مسائل روش شناختی، به این مسائل ختم نمی‌گردید: آیا آغاز مباحث فقهی با احکام آنها به‌ویژه در فرآیند آموزش، آغازی مناسب است؟ آیا ترتیب اباحت فقهی از منطقی قابل دفاع به‌ویژه در جایگاه آموزش آن تبعیت می‌کند؟ آیا انطباق مباحث فقهی با آیات قرآنی، انطباقی کامل است؟ اگر قرآن کریم می‌فرماید: «ان الحكم الا لله» و نیز می‌فرماید: «و من احسن من الله حكما»؛ پس جدایی علم فقه، اخلاق و عرفان چگونه با مبانی قرآنی سازگار است؟ اگر انطباق فقه با قرآن کریم، انطباقی کامل است و در رابطه با قرآن می‌خوانیم: «اَفَلَا يَتَّبِعُونَ الْاٰرَانَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللّٰهِ لَوَجَدُوْا فِيْهِ اخْتِلَافًا كَثِيْرًا»، پس چگونه است که در فقه، حتی براساس رأی یک فقیه در مجموعه استنباطات فقهی، شاهد اختلاف کثیر هستیم؟

به عبارت دیگر چه عاملی - همچون یک نخ تسبیح - می‌توانست به مجموعه پراکندگی‌ها در فقه، انسجام بخشد؟ آیا اصلاً لازم است انسجامی در فقه داشته باشیم؟ و اگر لازم است، آیا تحقق آن در شرائط موجود، ممکن می‌باشد؟

مسئله دیگر در بُعد اجرای احکام خود نمایی می‌کرد. چرا دانشجویان پزشکی، نوعاً، چون به خلوت می‌روند، ویروس HIV را به خود تزریق نمی‌کنند؟ اشکال آموزش فقه در کجاست که نوعاً به هنگام نماز، حواسمان پرت است اما در هنگام شمارش پول بخوبی می‌توانیم تمرکز کنیم؟ چرا در هنگام بروز شک در شمارش یک دسته اسکناس، به راحتی شمارش را از ابتدا آغاز می‌کنیم و بناء را بر اکثر نمی‌گذاریم و خم هم بر ابرو نمی‌آوریم و هیچ احساس حرج نمی‌کنیم؟ چرا به هنگام خرید یک کالای نسبتاً غیرضروری و غیر حیاتی مثل خرید یک موبایل یا کامپیوتر یا حتی یک لباس یا کتاب، دهها بار تفحص می‌کنیم، پرس‌وجو می‌کنیم تا مبدا چنین و چنان شود و یا برای جا نماندن از هواپیما، یک ساعت قبل از پرواز در سالن

فرودگاه حاضر می‌شویم و به اصطلاح علمی احتیاط عقلی می‌کنیم؛ اما در رابطه با احکام الهی آن را مسدود می‌یابیم و تعلیلش می‌کنیم که موجب حرج است و حتی متدینین در هنگام انتخاب مرجع تقلید، فردی که فتاوايش بیشتر مخالف احتیاط و لذا اجرای آن آسانتر است! (مخصوصاً در ابواب خمس و زکات)، را اعلم می‌پندارند؟ چرا وقتی می‌فهمیم که شرط ورود به هواپیما همراه داشتن بلیط است، در صورت فراموشی، بطور منطقی و به لحاظ مفهوم شرطیت، سوآلی برای امکان ورود بدون بلیط مطرح نمی‌شود، اما در رابطه با فراموشی نسبت به شرط طهارت برای ورود به نماز و امثال آن، دهها فرع فقهی مطرح می‌گردد؟ کجاست برنامه فقه در اداره امور مالی افراد و اشخاص حقوقی و حقوقی و نیز حکومت اسلامی؟ کجاست نوآوری‌های فقهی در طراحی عقود مورد نیاز جامعه؟ چرا باید مکاتب مادی در طراحی الگو و سبک زندگی (Life Style) در عرصه‌های مختلف تا این حد موفق عمل کنند که امروز دنیا (و از جمله جوامع اسلامی) را حداقل در برخی جهات یک دست ببینیم و ما الگوهای اصیل خود را یکی پس از دیگری از دست بدهیم و کم کم کار به وادی متون فقهی نیز کشیده شود؟ کجاست فتاوی فقه، خطاب به حکام (به عنوان شخص حقوقی و نه حقیقی) به عنوان مکلف و تعیین وظائف آنان در عرصه‌های مختلف؛ تا بدانند الملک یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم؟ و کجاست عکس العمل‌های عینی فقهاء در راست کردن کجی‌ها نسبت به امور داخلی و خارجی جوامع اسلامی تا کار بدانجا کشیده نشود تا توده‌ها انقلاب کنند، خون‌ها ریخته گردد و...؟ چرا فقه نمی‌تواند علاج واقعه قبل از وقوع نماید و در اکثر مواقع با اتخاذ موضعی انفعالی، چاره‌سازی کند؟ چرا فقه موجود نمی‌تواند با ایجاد فرصت‌ها که نیازمند آینده‌نگری است، با اتخاذ موضعی فعال و ترسیم وضعیت مطلوب، عزم‌ها را برای تحقق آن همسو و راسخ گرداند؟ و از همه مهمتر، بر اساس چه شاخصی می‌توان مطمئن بود که اجتهادات ما از نوع اجتهادات اصحاب سبب نیست و به سرنوشتی همچون سرنوشت آنان گرفتار نیامده‌ایم؟

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (۶۵) فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (۶۶) (سوره بقره)^۱

زیرا ظاهراً مقصود از بوزینه شدن، در صورت برزخی بوده است. این سؤالات و دهها سؤال دیگر، نویسنده را ابتدا به شناسایی راه‌حلی در روش استنباط و سپس به روش پردازش فقه رهنمون ساخت. به طوری که در امر اول، به‌ویژه استفاده از رویکرد سیستمی در اجتهاد را الزامی دیدم. لذا در تدوین مجموعه‌ای سه جلدی، (با عنوان مبانی استنباط در حقوق اسلامی و حقوق موضوعه، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام) تلاش اولیای برای تبیین آن را ساماندهی نمودم و در امر دوم به تدوین "علمی" جدید با عنوان "اصول علم فقه" به‌منظور تبیین اصول حاکم بر احکام الهی اسلام اقدام کردم. در نتیجه شناسایی این اصول، احکام استنباطی در گام دوم در علم فقه، تابعی از آنها بوده و لازم به هماهنگی با آنهاست. اگر این اصول به درستی شناسایی شوند، با فقهی قرآنی و با اوصاف آن مواجه خواهیم بود. شاخص‌های عینی فتوای صحیح و غیر صحیح را به دست می‌آوریم و به لحاظ دستاوردهای عینی خود، از اجرای آن شادابی و سلامتی در همه عوالم و از جمله در عالم دنیا برخوردار می‌گردیم و هیچ امری نسیه و خارج و دور از دسترس نیست. تحقق نتیجه مورد نظر شارع (و نه نتایج تخیلی و مورد انتظار ما همچون در باب نذورات)، در چنین فقهی مهمترین شاخص صحت رأی می‌باشد و وحدت و یکپارچگی و جامعیت آن از اوصاف اصلی چنین فقهی است. برنامه‌ریزی برای ایجاد وضعیت مطلوب به‌منظور تحقق "آرمان شهر" دینی و اجرا و

۱. و کسانی از شما را که در روز شنبه [از فرمان خدا] تجاوز کردند نیک شناختید، پس ایشان را گفتیم: «بوزیگانی باشید طردشده»، (۶۵) و ما آن [عقوبت] را برای حاضران، و [نسلهای] پس از آن، عبرتی، و برای پرهیزگاران پندی قرار دادیم. (۶۶)

نظارت و اصلاح در حین عمل از رسالت این فقه به شمار می‌رود و فرصت‌سازی‌ها جای چاره‌سازی‌ها را خواهد گرفت و با برخورداری از یک نقش فعال، رقابت را بر می‌تابد و به استقبال نقد پرسش‌گرانه می‌شتابد و براساس شاخص‌های پیشینی و نه پسینی، موفقیت، کارآمدی، کارایی و اثر بخشی خویش را به نمایش می‌گذارد. مهمترین فارق این فقه در تحقق نظام حقوقی اسلام با علم حقوق در دیگر نظام‌های حقوق بشری را در تجلی اوصاف الهی در رفتار نوع‌متدینین خواهیم دید که حاصل عنصر تقرب الی‌الله در اجرای تک تک گزاره‌های فقهی است.

در تحقق چنین امری، از پروردگار متعال درخواست می‌کنم اگر پیمایش این راه مرضی اوست، ما را بر سلوک آن موفق فرماید و اگر اشتباه و خطایی در کار است، هدایتان نماید. بدیهی است بخش مهمی از این هدایت در مسیر نقد علمی و خالصانه محققین حاصل خواهد شد و بخش دیگر از آن، محصول خودداری از فریفتگی نسبت به آرا و نظریات شخصی به دست می‌آید و البته بخش اصلی و اساسی در تکمیل عمل عبادانه:

«... لیس العلم بالتعلم... و ان اردت العلم فاطلب اولاً فی نفسک حقیقه العبودیه واطلب العلم باستعماله و استنهم الله یفهمک...» (امام صادق علیه السلام در حدیث عنوان بصری)

نویسنده در سال‌های قبل از تدوین و سپس نگارش این کتاب، پس از سال‌ها تدریس و تحقیق، بارها نتایج را در مسیر زندگی شخصی و مشاوره‌ای خویش به محک تجربه آزموده تا جامعه مخاطب را با استفاده از روش سعی و خطا به بخش آزمایشگاه نظریات فردی خویش مبدل نسازم. اما یقین دارم که مع هذا، این مختصر، پیش درآمدی برای آغاز راه است و امیدوارانه چشم به راه نظرات فرهیختگان هستم که به فضل الهی به زودی از راه می‌رسد:

در پایان، از همه دانشجویان که زحمات نقد و پرسش را در سالیان گذشته به عهده داشتند و همه سروران و همکارانی که طرح این مطالب را بزرگوارانه و صبورانه تحمل نمودند و عزیزان ما در معاونت پژوهشی دانشگاه، سرور عزیزم جناب آقای دکتر افتخاری و همکاران گرانقدرشان در واحد انتشارات، ویژه برادر عزیزم جناب آقای روشنی که امکان نشر آن را فراهم کردند، همچنین تلاش و همراهی دوست فرهیخته‌ام، جناب آقای دکتر عادل پیغمی، ریاست محترم مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه السلام که با رویی گشاده انجام این مهم را ممکن ساختند، تشکر و قدردانی خالصانه می‌نمایم و از خداوند تعالی برای همه این عزیزان توفیقات الهی همراه با سلامتی و سعادت داین را درخواست می‌کنم.

ربنا تقبل منا؛ انک انت السميع العليم

سعید رجحان

پائیز ۹۱